

سنجش درجه توسعه یافتگی شهرستان‌های استان اردبیل با استفاده از روش موریس و تاکسونومی عددی

صیاد ایرانی هریس*، دانش آموخته دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، پژوهشگر گروه ژئوپلیتیک، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران
اسماعیل قلی‌نژاد شام اسبی، دانش آموخته کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، گروه جغرافیا، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

اسماعیل نجفی، استادیار دانشکده علوم زمین گروه ژئومورفولوژی دانشگاه دامغان، دامغان، ایران

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۲/۱۳

تاریخ دریافت: ۹۸/۷/۲۲

چکیده

مطالعه در مورد علل و عوامل تأثیرگذار توزیع غیرمنطقی امکانات برای از بین بردن و یا حداقل کاهش نابرابری‌های ناحیه‌ای امری ضروری و بسیار مهم است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی و بر پایه منابع کتابخانه‌ای - پیمایشی و با رویکرد کاربردی است. پژوهش حاضر با ۵۹ شاخص در ۴ بخش بهداشتی و درمانی، اقتصادی، زیربنایی، آموزشی و فرهنگی با استفاده از دو روش موریس و تاکسونومی عددی به درجه‌بندی توسعه یافتگی شهرستان‌های استان اردبیل پرداخته شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که عدم تعادل و ناهمگنی در بین شهرستان‌های استان وجود دارد به طوری که همه شهرستان‌ها در شاخص تلفیقی موریس در ۲ سطح نیمه برخوردار و محروم قرار گرفته‌اند و اردبیل رتبه اول را به خود اختصاص داده است و سرعین تنها شهرستان محروم استان بوده است در شاخص تلفیقی تاکسونومی نیز شهرستان‌ها در ۳ سطح برخوردار، نیمه برخوردار و محروم قرار گرفته‌اند در این روش نیز اردبیل در بین شهرستان‌های برخوردار رتبه اول را کسب کرده است و نیر تنها شهرستان محروم استان بوده است. لذا این تفاوت نه تنها در بین شهرستان‌های استان زیاد است بلکه اختلاف قابل ملاحظه‌ای با دیگر مناطق کشور دارد که لزوم توجه جدی و برنامه‌ریزی‌های هدفمند و منطبق بر قابلیت‌های استان را در جهت توسعه متوازن و یکپارچه را می‌طلبد.

کلمات کلیدی: درجه توسعه یافتگی، روش موریس، روش تاکسونومی، استان اردبیل.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

نویسنده مسئول: صیاد ایرانی هریس، دانش آموخته دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، پژوهشگر گروه ژئوپلیتیک، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران،
Sayad.irani@srbiau.ac.ir

مقدمه

از موضوعاتی که اخیراً در فرهنگ برنامه‌ریزی‌های ناحیه‌ای و منطقه‌ای مطرح گردیده ولی جایگاه آن هنوز در کشور ما به وضوح مشخص نشده، نابرابری توسعه نواحی است. این نابرابری‌ها که به دلایل متعددی چون دلایل تاریخی، اجتماعی، اقتصادی، جغرافیایی، دموگرافیکی و سیاسی ایجاد می‌شوند، رشد ناهمگون و نامتعادل میان نواحی و مناطق را به دنبال دارند (Mansouri, 1996:4) وجود نابرابری و ابعاد آن از نشانه‌های مهم توسعه نیافتگی است (Dadashpoor and et al 2011:175)، نظر سازمان ملل متحد نیز، وقتی از نابرابری‌های اجتماعی سخن گفته می‌شود، نه تنها باید به عدالت محیطی توجه کرد، بلکه ارتباط آن را نیز باید با جنبه‌های توسعه فرهنگی و اجتماعی مورد توجه قرار داد (United Nations, 2006:200). توسعه و توسعه یافتگی از جمله مباحثی است که همواره ذهن سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان را به خود مشغول داشته است. کشورهای مختلف و حتی مناطق تشکیل دهنده آن‌ها خواهان دستیابی به سطحی از توسعه متعادل و پایدار هستند که بتواند به بهبود زندگی تمام مردمان بینجامد، اما اینکه توسعه چیست و انتظار مردم و جامعه از این فرآیند چیست، اصلی‌ترین سؤالی است که شاید پاسخ واحدی به آن داده نشده است. در این راستا سنجش و مقایسه سطح توسعه یافتگی؛ داخل یک منطقه و بین کشورهای مختلف و یا داخل یک استان و بین شهرستان‌های مختلف، از اهمیت به‌سزایی برخوردار است.

در واقع شناخت نابرابری‌ها و عدم تعادل‌ها در چارچوب محدوده‌های جغرافیایی مختلف قابل طرح است. با این حال، همان‌طور که روند توسعه یافتگی در استان‌های مختلف یک کشور دارای مراتب گوناگونی است، در داخل یک استان نیز روند توسعه یافتگی در بین شهرستان‌ها و مناطق مختلف یکسان نیست. زیرا توسعه یافتگی شهرستان‌های یک استان با توجه به توزیع فضایی ناهمگن منابع و همچنین عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی و طبیعی مناطق، بعضاً ممکن است دارای روندی متناسب نباشد (صادقی‌فر و همکاران، ۱۳۹۳:۸۲) بنابراین با توجه به اینکه هدف اصلی توسعه حذف نابرابری‌ها است، بهترین مفهوم توسعه، رشد همراه با عدالت اجتماعی است. عدم توازن در بین مناطق در جریان توسعه، موجب ایجاد شکاف و تشدید نابرابری منطقه‌ای می‌شود که خود مانعی در مسیر توسعه است (Mohammadi and et al, 2012:128). در این میان بررسی توسعه مناطق و پی بردن به نقاط ضعف و قوت آنها اهمیت بسیاری را ایفا می‌کند. عدم توجه به برنامه‌ریزی منطقه‌ای موجب عقب ماندگی و توزیع و پخشایش منابع و امکانات توسعه به صورت نامتعادل و غیرمنطقی شده است که این آشفتگی توزیع امکانات درصد زیادی از وسعت کشورهای در حال توسعه را به خود اختصاص داده و باعث به‌وجود آمدن دوگانگی‌های شدید در فضاهای جغرافیایی شده است. برای رسیدن به توسعه، مطالعه و شناخت روندهای گذشته که منجر به عقب ماندگی شده و هم‌چنین پیش‌بینی وضعیت آینده اهمیت فراوانی دارد. با توجه به اینکه هدف برنامه‌ریزی رسیدن به توسعه متعادل بین مناطق مختلف است و این امر نیازمند بررسی دقیق چگونگی توزیع شاخص‌های توسعه یافتگی در مناطق مختلف است بنابراین، توزیع متعادل امکانات و خدمات، گامی در جهت از بین بردن عدم تعادل‌های منطقه‌ای است.

زیرا هر چقدر تفاوت‌های منطقه‌ای از ابعاد مختلف بیشتر باشد، منجر به حرکت جمعیت و سرمایه به سمت قطب‌های پرجاذبه می‌گردد. جهت حصول توسعه انسانی و اقتصادی و تحقق توسعه پایدار، لازم است نابرابری‌های موجود به حداقل ممکن کاهش یابد، چرا که هرگونه رشد و توسعه بدون توجه به ایجاد برابری در جامعه، در نهایت بی‌ثبات خواهد بود (سیدین و همکاران، ۱۳۹۳:۸۲).

بیان مسأله

وجود انواع دوگانگی‌های نامطلوب و عدم تعادل شدید در مسیر توسعه یافتگی کشورهای در حال توسعه باعث شده که مسائل و مشکلات عدیده‌ای در مسیر توسعه آنها ایجاد شود و تمامی تلاش دست‌اندرکاران امر توسعه را عقیم گذاشته شود. که این

مسئله سبب شده که در هر کشور یک یا دو منطقه و یا چند ناحیه مسئولیت اصلی توزیع امکانات و خدمات توسعه را برعهده گرفته و لذا بیشتر برنامه‌های توسعه اجتماعی اقتصادی و.. در این مناطق انجام می‌گیرد. این مناطق و نواحی معمولاً از مستعدترین نواحی و مناطق کشور بوده و از زیرساخت‌ها و توان‌های تولیدی و اقتصادی بالایی نسبت به سایر مناطق برخوردارند. نبودن توازن در جریان توسعه بین مناطق مختلف موجب ایجاد شکاف و تشدید نابرابری منطقه‌ای می‌شود که خود مانعی در مسیر توسعه است. پیام نبودن توازن معمولاً ناکارآمدی اقتصادی، نابرابری اجتماعی، جریان‌های مهاجرتی قوی و قطبی شده است (لطفی، ۱۳۸۸: ۲۱). گزارش توسعه انسانی در ایران تفاوت منطقه‌ای گسترده‌ای را میان ۲۶ استان از نظر درجه توسعه انسانی نشان می‌دهد. برپایه این گزارش، نه تنها طبق نظریه همگرایی، عدم تعادل منطقه‌ای کاهش نیافته بلکه ضریب پراکندگی بین واحدهای تحت مطالعه نیز افزایش یافته است (PBOUNDP, 1999, 23). عدم تعادل شدید در میان سکونتگاه‌های انسانی که از دو منشأ اصلی محیط طبیعی و تصمیمات سیاست‌گذاران سرچشمه می‌گیرد موجب ایجاد شکاف و نابرابری‌های شدید منطقه‌ای شده است. درک عمیق و همه جانبه توسعه نیافتگی و مسائل آن مستلزم بکارگیری شاخص‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیربنایی و غیره که از مولفه‌های مهم توسعه یافتگی هستند و در تشخیص نابرابری واحدهای مختلف جغرافیایی بسیار حائز اهمیت هستند می‌تواند کم و کاستی‌ها، نارسایی‌ها و عدم تعادل در توزیع امکانات را در سطوح مختلف توسعه شناسایی کرده و یک دید کلی از استعدادها و تنگناهای منطقه مورد مطالعه به دست آورده و زمینه را برای برنامه‌ریزان در جهت کاهش عدم تعادل در بین مناطق با توجه به زمینه‌ها و قابلیت‌های موجود آماده می‌کند. یکی از مشخصه‌های بارز در توسعه فضایی ایران، وجود نابرابری‌های ناحیه‌ای است. برنامه‌ریزی ناحیه‌ای در این میان، می‌تواند پاسخی به نارسائی‌ها و کاستی‌ها در سطوح مختلف جغرافیایی باشد. سطوح ملی و محلی برنامه ریزی به دلیل نوع نگرش آنها به برنامه ریزی، نمی‌توانند نگرش جامع به ناحیه به دستیابی به توسعه و کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای که یکی از مهم‌ترین چالش‌های دولت‌ها در جوامع کنونی به شمار می‌رود و هر یک برای رسیدن به این هدف برنامه‌هایی را بر حسب امکانات و توانایی‌های خود انجام می‌دهند اما توسعه مقوله‌ای است که بیش از چند دهه از عمر آن نگذشته و هنوز مراحل ابتدای به صورت سیستمی داشته باشند، بنابراین، پیوند منافع ملی و محلی را می‌توان با برنامه ریزی ناحیه‌ای، در قالب برنامه‌های ملی و با نگرش سیستمی به برنامه‌های محلی به وجود آورد (زالی، ۱۳۷۹). همان طور که سطوح مختلف توسعه در جهان از الگوی یکسانی تبعیت نمی‌کند و دارای درجات متفاوتی است در داخل یک کشور نیز میزان توسعه یافتگی در بین مناطق و نواحی مختلف بسیار متفاوت است به عبارت دیگر به دلیل قابلیت‌ها و توانایی‌هایی که مناطق مختلف در خود جای داده‌اند و نیز تصمیمات سیاست‌گذاران و مدیران شهری سطح توسعه یافتگی مناطق مختلف با یکدیگر ناهمگن و نابرابر است که این مسئله ضرورت سازماندهی فضایی را برای رسیدن به توسعه پایدار و متعادل آشکار می‌سازد. بر این اساس و برای آگاهی از علل نابرابری‌ها و عدم تعادل‌ها سطح‌بندی شهرستانها از لحاظ میزان توسعه یافتگی بسیار حیاتی است. اهمیت این سطح‌بندی از آنجا روشن می‌شود که با شناخت ظرفیت‌ها و محدودیت‌های توسعه یک منطقه می‌توان سطح دسترسی و برخورداری مردم را بخوبی نشان داده و برنامه‌های منطبق با استعدادهای منطقه مورد مطالعه را در جهت از بین بردن و یا کاهش نابرابری‌ها و رشد شکوفایی هر چه بیشتر ارائه نموده و شرایط مطلوبی را برای زندگی ساکنان آن منطقه فراهم آورد.

اهمیت و ضرورت تحقیق

عدم تعادل‌های منطقه‌ای و توزیع نامتعادل خدمات و امکانات به صورت نامناسب از ویژگی‌های بارز و عمده کشورهای جهان سوم و به خصوص ایران است. امروزه عوامل متعددی باعث به وجود آمدن شبکه‌ای از مکان‌های مرکزی یا سلسله مراتب سکونتگاهی گردیده که سایر نقاط را تحت تاثیر قرار داده است. قطب‌های توسعه را فقط در مناطق خاصی از یک کشور به

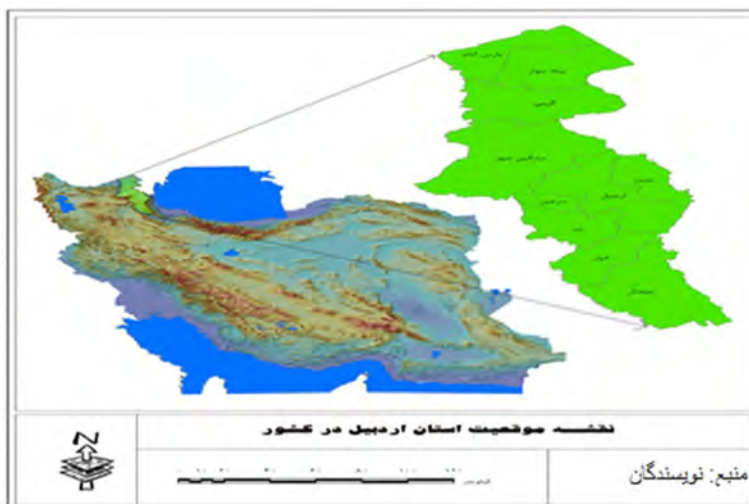
وجود آورده و سایر مناطق با کمترین برخورداری از شاخص‌های توسعه با گذشت زمان به عقب رانده شده و دوگانگی و عدم تعادل به طرز غیرقابل باوری خود را در تمامی شئون این مناطق نشان داده است. امروزه بررسی و شناخت سطح توسعه یافتگی مناطق مختلف از لحاظ معیارهای توسعه و هم چنین آگاهی از محرومیت‌ها و توانایی‌های هر منطقه و در نهایت برقراری عدالت اجتماعی از جمله مباحث مهم در برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای است. در سال‌های اخیر به‌ویژه بعد از انقلاب اسلامی رفع محرومیت و یکسان‌سازی توسعه مناطق مختلف کشور در دستور کار برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و غیره مورد توجه قرار گرفته است، اما براساس مطالعات انجام گرفته این برنامه‌ها به دلیل عدم شناخت دقیق ابعاد نابرابری و ناهمگنی و سیاست‌های اجرایی نامتناسب علاوه بر اینکه نتوانسته‌اند از میزان نابرابری‌ها بکاهند بلکه برنابرابری‌های بیشتری دامن زده‌اند و سبب شکل‌گیری الگوی مرکز-پیرامون در کشور شده است و برنحوه تخصیص منابع تاثیر گذاشته و شکاف و نابرابری ده برابری را در کشور بوجود آورده که پیامد آن افزایش بیکاری، تخریب محیط زیست، افزایش مهاجرت، وضعیت نامطلوب اقتصادی و اجتماعی، تمرکز جمعیت، فقر و.. است.

در این راستا تدوین برنامه‌های اصولی و هماهنگ با قابلیت‌های جغرافیایی هر منطقه بسیار ضروری است. بنابراین همچنین هدف از انجام پژوهش، سنجش درجه توسعه یافتگی شهرستان‌های استان اردبیل در راستای پاسخ به این سؤال است که؛ وضعیت توسعه یافتگی در سطح شهرستان استان در چه وضعیتی قرار دارد؟ اهمیت مطالعه پیش رو از آنجا ناشی می‌شود که با آگاهی همه جانبه از زوایای گوناگون وضعیت موجود و برنامه‌های آتی و شناسایی مناطق و نواحی عقب افتاده در استان اردبیل برای مدیران و برنامه‌ریزان شهری جهت اتخاذ تصمیمات مناسب برای از بین بردن نابرابری‌ها و رسیدن به عدالت اجتماعی که هدف تمامی تلاش‌های توسعه است، الگو و راهکارهای مناسبی را ارائه نماید.

در زمینه پیشینه پژوهش در رابطه با موضوع مورد بحث می‌توان به پژوهش‌های (دهقانی، ۱۳۷۳)، (زالی، ۱۳۷۹)، (قدیرمعصوم و حبیبی، ۱۳۸۳)، (قنبری هفت چشمه و حسین زاده دلیر، ۱۳۸۴)، (موسوی و حسن حکمت‌نیا، ۱۳۸۴)، (شیخ الاسلامی و بیروندزاده، ۱۳۸۸)، (تقوایی و بهاری، ۱۳۹۱)، (محمودی و زیاری، ۱۳۹۳) و اشاره کرد. با بررسی پیشینه پژوهش می‌توان گفت تحقیق حاضر، به دلیل استفاده از تعداد متغیرهای زیاد (استفاده از ۴ شاخص و ۵۹ متغیر)، از جامعیت بیشتری در مورد موضوع سنجش توسعه یافتگی برخوردار است.

شناخت محدوده مورد مطالعه

استان اردبیل با مساحتی بالغ بر ۱۷۸۰۰ کیلومتر مربع و ۱/۰۹ مساحت کل کشور در شمال غرب فلات ایران و در شرق فلات آذربایجان بین عرض ۳۷ درجه و ۴۵ دقیقه و ۳۹ درجه و ۴۲ دقیقه عرض شمالی از خط استوا و ۴۷ درجه و ۳۰ دقیقه تا ۴۸ درجه و ۵۵ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ واقع شده است. این استان به شکل کشیده و طویل خود در جهت شمالی-جنوبی، نزدیک به دو درجه عرض جغرافیایی را دربر گرفته است. فاصله شمالی‌ترین و جنوبی‌ترین نقطه آن در حدود ۲۹۵ کیلومتر و فاصله شرقی‌ترین و غربی‌ترین نقطه آن ۱۳۲ کیلومتر است. استان اردبیل از شمال با جمهوری آذربایجان و از جنوب با استان زنجان از شرق با استان گیلان و از غرب با استان آذربایجان شرقی همسایه است. در شمال و شمال شرقی رود ارس و امتداد رشته کوه تالش یعنی کوه‌های پشت ساراو رود بلقاریا بالهارود مرز بین استان و جمهوری آذربایجان را تشکیل می‌دهند. در شرق رشته کوه‌های تالش - باغرو این خطه از استان گیلان را جدا می‌کند و از غرب به آذربایجان شرقی منتهی شده است و در جنوب کشیدگی رشته کوه‌ها، دره‌ها و جلگه موجب پیوستگی توپوگرافیکی استان با استان زنجان شده است (www.oustan-ar.ir).



شکل (۱): موقعیت استان در کشور (ماخذ: تقسیمات سیاسی استانداری اردبیل)

مبانی نظری

توسعه به معنای کوشش آگاهانه، نهادی و برنامه‌ریزی شده برای نیل به پیشرفت اجتماعی و اقتصادی را می‌توان پدیده‌ای نوظهور در قرن بیستم دانست که از سال ۱۹۱۷ میلادی از اتحاد جماهیر شوروی سابق آغاز شد (گلدین و ینترز، ۱۳: ۳۷۹). مفهوم توسعه در طی قرن هیجدهم میلادی به معنای فرایندی به کار می‌رفت که با آن توانایی بالقوه یک ارگانیزم شکوفا می‌شد، تا اینکه به شکل طبیعی و کامل به بلوغ نهایی برسد. در دوره و فاصله بین ولف تا داروین توسعه با واژه تکامل هم خوانی پیدا کرد (Escobar, 1992: 8). تعاریف گوناگونی درباره توسعه بیان شده است که در همه آنها، به جنبه‌های مختلف موضوع توجه شده است. تودارو در تعریف توسعه می‌گوید: توسعه فقط پدیدای اقتصادی نیست توسعه جریانی چند بعدی است که مستلزم تجدید سازمان و تجدید جهت‌گیری مجموعه نظام اقتصادی و اجتماعی کشور است. توسعه علاوه بر بهبود وضع درآمدها و تولید، آشکارا متضمن تغییرات بنیادی در ساخت‌های نهادی، اجتماعی، اداری و نیز طرز تلقی حتی در آداب و رسوم و اعتقادهای جامعه و مردم است (تودارو، ۱۳۷۰: ۱۱۵).

در تعریف دیگری از توسعه، مؤسسه مارگا تعریفی را از توسعه کامل می‌داند که پنج بعد به شرح ذیل را شامل شود:

- ۱- بعد اقتصادی که به ایجاد ثروت و بهبود شرایط زندگی مادی و توزیع عادلانه امکانات مربوط می‌شود.
- ۲- بعد اجتماعی که بر مبنای امکانات بهزیستی (بهداشت، آموزش، مسکن و اشتغال) اندازه‌گیری می‌شود.
- ۳- بعد سیاسی که ارزش‌هایی مانند حقوق بشر، آزادی‌های سیاسی، حقوق تابعیت و برخی اشکال دموکراسی را شامل می‌شود.
- ۴- بعد فرهنگی که بر مبنای به رسمیت شناختن این واقعیت است که فرهنگ‌ها به افراد، هویت و ارزش شخصی اعطا می‌کنند.
- ۵- بعد موسوم به "الگوی زندگی کامل" که به نظام‌های محتوایی، نهادها و باورهایی مربوط می‌شود که با هدف نهایی زندگی و تاریخ در ارتباط است (گولت، ۱۳۷۴: ۶۹).

رشد و توسعه ناهمگن، تمرکز شدید، نبود عدالت اجتماعی و اقتصادی، دوگانگی‌های شدید، نابرابری و عدم تعادل در سطوح مختلف یک منطقه از مظاهر عدم توسعه هستند. برای دستیابی به توسعه همه جانبه اولین قدم شناخت و آگاهی از وضعیت موجود مناطق از نظر توانایی‌ها و تنگناهای توسعه و برنامه‌ریزی در جهت استفاده صحیح از امکانات بالقوه است که این امر مستلزم بررسی تطبیقی شاخص‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی متناسب با سطح توسعه هر منطقه است. "هادر" معتقد است با توجه به اینکه هدف اصلی توسعه، از میان برداشتن تمام نابرابری‌های اجتماع است، مناسب‌ترین مفهوم برای توسعه، رشد همراه با

عدالت اجتماعی است (Hadder, 2000:3). نظریه‌های مختلفی در مورد مباحث مربوط به توسعه ارائه شده است که در اینجا به ذکر برخی از آن‌ها پرداخته شده است. براساس نظریه نوکینزی یا پایه اقتصادی رشد و توسعه ناحیه به میزان صادرات آن وابسته است. صادرات، به عنوان تنها متغیری که مقدار آن تعیین‌کننده رشد و توسعه ناحیه است، به عنوان تنها محرکه رشد اقتصاد ناحیه‌ای به رسمیت شناخته شده است (قنبری هفت‌چشمه و کریم زاده دلیر، ۱۳۸۴: ۵). پیترهاال نیز معتقد است که مهم‌ترین هدف سیاست ناحیه‌ای جهت کاهش نابرابری‌های آن ایجاد اشتغال است که به کاهش بیکاری و مهاجرفرستی در ناحیه کمک می‌کند و توسعه آن را به دنبال خواهد داشت (شیخ الاسلامی، ۱۳۸۸: ۲۱) اصطلاح قطب رشد ابتدا توسط فرانسوا پرو، اقتصاددان فرانسوی در سال ۱۹۵۵ معرفی گردید (لطیفی، ۱۳۸۸: ۱۰۵) نظریه قطب رشد پویا بر دو اثر استوار است: یکی اثرات تمرکز و دیگری اثرات پخش (کلاتتری، ۱۳۹۲: ۶۹) بدین صورت که رشد همزمان در همه جا اتفاق نمی‌افتد بلکه در نقاط یا قطب‌های توسعه‌ای با شدت‌های متفاوت اتفاق می‌افتد (اثر تمرکز) و از طریق کانال‌های گوناگون با آثار نهایی متغیری کل اقتصاد را تحت تاثیر قرار می‌دهد (دای و یانگ، ۲۰۱۳).

لیکن تجربیات حاصل از اجرای سیاست‌های قطب رشد در امر توسعه در کشورهای مختلف دنیا نشان دهنده این واقعیت است که تأثیرات جانبی قطب رشد در توسعه منطقه‌ای با توفیق زیاد همراه نبوده و موجب توسعه همه جانبه و یکپارچه منطقه‌ای نشده است، حتی در بیشتر موارد تأثیرات منفی و زیانباری نیز در پی داشته است. بدین سان، نابرابری بین مراکز (قطب‌های رشد) و پیرامون (روستاها و شهرهای کوچک)، همچنین بین حوزه‌های شهری و روستایی به سرعت افزایش یافته است (توکلی نیا و همکاران ۱۳۹۰: ۴) از جمله تئوری‌های مطرح در برنامه‌ریزی منطقه‌ای تئوری مرکز-پیرامون^۲ جان فریدمن^۳ است (مرصوصی و همکاران ۱۳۸۹: ۵۴). طبق این نظریه دو جزء اصلی نظام سکونتگاهی عبارتند از مرکز (به عنوان کانون قدرت و سلطه) و پیرامون (به عنوان جزء وابسته به کانون مرکزی)، هم چنین بر اساس این نظریه رابطه میان مرکز و پیرامون استعماری است و همین رابطه باعث نابرابری بین مرکز و پیرامون می‌گردد (رضوانی ۱۳۸۳: ۶۳) معمولاً بروز یک ساختار قطبی شده، با یک سری جابجایی‌های عوامل اصلی تولید از حاشیه به مرکز همراه است (پاپلی یزدی و رجبی سناجردی، ۱۳۹۰: ۲۰۴).

روش پژوهش

روش تحقیق به کار گرفته شده در این مطالعه توصیفی-تحلیلی و روش جمع‌آوری اطلاعات در این تحقیق، روش جمع‌آوری کتابخانه‌ای - پیمایشی و رویکرد حاکم بر فضای تحقیق، کاربردی است. محدوده جغرافیایی مورد پژوهش ۱۰ شهرستان استان اردبیل بر اساس تقسیمات اداری-سیاسی در سال ۱۳۹۰ است. شاخص‌های مورد بررسی ۴ شاخص اصلی با ۵۹ متغیر است که شامل شاخص‌های اقتصادی، فرهنگی و آموزشی، بهداشتی و درمانی، و زیربنایی جز شاخص‌های اصلی است (جدول ۱) اطلاعات مورد نیاز از سرشماری عمومی نفوس و مسکن، سالنامه آماری و گزارش‌های منتشر شده توسط ادارات و سازمان‌های مرتبط جمع‌آوری شده است. در مرحله‌ی بعد جدول داده‌های خام را شاخص‌سازی کرده تا قابلیت پردازش به وسیله‌ی مدل‌های تاکسونومی عددی و روش موریس را داشته باشند آنگاه با بهره‌گیری از دو مدل مذکور رتبه هر یک از شهرستان‌ها در هر یک از شاخص‌های انتخابی و نهایتاً در قالب شاخص‌های تلفیقی تعیین گردیده و سپس نتایج به دست آمده مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است و در سه سطح توسعه یافته، نیمه توسعه یافته و محروم طبقه‌بندی شده‌اند هم چنین با استفاده از ضریب تفاوت CV مقدار توزیع نامتعادل شاخص‌ها تعیین گردیده است.

1. Dai,yang
2. Core-pheriphery
3. John freidman

جدول (۱): شاخص‌ها و متغیرهای پژوهش

متغیرها	شاخص‌ها
درصد شاغلان مرد نسبت به کل شاغلان- درصد شاغلان زن نسبت به کل شاغلان- درصد شاغلان تولید صنعتی به کل شاغلان- درصد شاغلان بخش آموزش به کل شاغلان- درصد شاغلان ساختمان به کل شاغلان- درصد شاغلان بخش کشاورزی به کل شاغلان- شعب بانک به ده هزار نفر- ضریب اشتغال زنان- ضریب اشتغال مردان- کارگاههای صنعتی به ده هزار نفر- نرخ اشتغال در نقاط شهری- نرخ اشتغال در نقاط روستایی- نرخ بیکاری (معکوس)- درصد شاغلان بخش ارتباطات و اطلاعات به کل شاغلان- درصد شاغلان حمل و نقل و انبارداری به کل شاغلان- نرخ اشتغال در شهرستان	شاخص‌های اقتصادی
اعضای کتابخانه‌های عمومی به جمعیت با سواد- درصد شهرنشینان- درصد باسواد- نسبت کلاس دوره ابتدایی به دانش آموزان دوره ابتدایی- نسبت کلاس دوره راهنمایی به دانش آموزان دوره راهنمایی- نسبت کلاس دوره متوسطه به دانش آموزان دوره متوسطه- درصد جمعیت باسواد ۶ ساله و بیشتر مرد به کل باسوادان- درصد جمعیت باسواد ۶ ساله و بیشتر زن به کل باسوادان- درصد جمعیت باسواد استفاده کننده از اینترنت- درصد دانش آموختگان فوق لیسانس و دکتری به کل باسوادان- نسبت تعداد کتب کتابخانه‌های عمومی به جمعیت باسواد- درصد دانش آموزان دختر به کل دانش آموزان- پوشش تحصیلی دانش آموزان ابتدایی- پوشش تحصیلی دانش آموزان راهنمایی- پوشش تحصیلی دانش آموزان متوسطه- نسبت کل کارکنان آموزشی و دفتری و اداری به کل دانش آموزان	شاخص‌های فرهنگی و آموزشی
ضریب نفوذ تلفن ثابت- سرانه مصرف برق در صنعت به ازاء هر نفر- درصد روستاهای دارای آب لوله کشی- درصد روستاهای دارای دفتر مخابرات- تعداد جایگاههای عرضه و فروشی سوخت به ده هزار نفر- تراکم راه به ۱۰۰ کیلو متر مربع- سرانه مصرف گاز به ازاء هر نفر (به هزار متر مکعب)- تراکم راههای اصلی به ۱۰۰ کیلومتر مربع- تعداد شرکتهای تعاونی کشاورزی به ده هزار نفر- درصد روستاهای دارای آب لوله کشی	شاخص‌های زیر بنایی
سرانه داروخانه به ده هزار نفر- پزشک عمومی به ده هزار نفر- پزشک متخصص به ده هزار نفر- دندان پزشک به ده هزار نفر- آزمایشگاه به ده هزار نفر- مراکز بهداشتی به ۵ هزار نفر- تعداد تخت‌های موجود به ده هزار نفر- تعداد داروساز به ده هزار نفر- درصد بیمه شدگان اصلی تامین اجتماعی- تعداد موسسات درمانی به یکصد هزار نفر- پرستار به هزار نفر- بهیار و کمک بهیار به ازاء هر هزار نفر- تکنسین خانواده به ده هزار نفر- تعداد پرستار به ازاء هر تخت ثابت- مراکز پرتونگاری به ده هزار نفر	شاخص‌های بهداشتی درمانی

روش‌های سنجش درجه توسعه یافتگی

بکارگیری روشهای کمی برای سنجش توسعه یافتگی مناطق، نه تنها تفاوت‌های مناطق را براساس متغیرهای مختلف آشکار می‌سازد، بلکه از طرف دیگر می‌توان با آگاهی از این ناهمگنی‌ها در سطح مناطق و با در اختیار داشتن اطلاعات جامع و مفیدی از امکانات و محدودیت‌ها و نابرابری‌ها، به وسیله هدایت منابع به سمت مناطق کمتر توسعه یافته، زمینه تعدیل نابرابری‌ها در بین سکونتگاه‌ها را فراهم کرد (نسترن و همکاران، ۱۳۸۸، ۲۶). در این رابطه برای آنکه وضعیت توسعه یافتگی مناطق در ارتباط با یکدیگر مشخص شود از روشهای رایج سطح بندی روش موریس و تاکسونومی عددی استفاده شده است. برای سنجش اینکه شاخص‌ها تا چه حد به طور نامتعادل توزیع شده است از روش ضریب اختلاف استفاده شده است. که در زیر هر کدام توضیح داده شده است.

روش موریس

روش موریس یکی از روش‌های موثر در زمینه ترکیب شاخص‌های سنجش توسعه یافتگی نواحی است. در این روش با استفاده از داده‌های گردآوری شده برای هر روستا، جایگاه توسعه یافتگی آن در میان سایر روستاها یا برحسب شاخص‌های انتخابی تعیین می‌گردد. از این روش در گزارش توسعه نیروی انسانی سازمان ملل استفاده شده و شاخص بدست آمده مدرک رتبه بندی کشورها از نظر توسعه نیروی انسانی می‌باشد در این در میان مناطق یا حوزه‌ها، بر دامنه I در هر منطقه یا حوزه از حداقل شاخص I روش انحراف مقادیر عددی شاخص تغییرات آن شاخص تقسیم شده، میزان ناموزونی مقدار عددی شاخص، نسبت

به شاخص پراکندگی دامنه تغییرات آن $[R = X(\max) - X(\min)]$ محاسبه می‌شود (حکمت نیا و موسوی، ۱۳۸۵: ۳۸)

یکی از خواص مهم و بارز شاخص موريس این استکه متغیرهای توسعه را طوری به هم در می‌آمیزد و مرتبط می‌سازد که در پایان عدد شاخص اصلی (DI) و رتبه‌های مربوط به آنها، جایگاه هر سکونتگاه را به طور دقیق در مراحل توسعه یافتگی مشخص می‌کند (شاهنوشی و همکاران، ۱۳۸۵، ۲۷ و ۲۸). ساختار کلی مدل به شرح زیر می‌باشد.

$$Y_{ij} = \frac{X_{ij} - X_{jmin}}{X_{jmax} - X_{jmin}} * 100$$

۳- در این مرحله تعریف شاخص میانگین برای هر یک از مناطق یا کشور است.

$$D. I_j = \frac{1}{n} \sum_{i=1}^n x_{ij} \rightarrow i = 1, 2, 3, \dots, m$$

D. I: ضریب نهایی توسعه

$\sum_{j=1}^n x_{ij}$: مجموع ضریب‌های ناموزون موريس در سطر مورد نظر برای سکونتگاه مورد نظر

N: تعداد شاخص‌های بکار گرفته شده

نکته‌ی مهم در این روش این است که شاخص‌های بکار گرفته شده باید همسو یا هم جهت باشند. جهت بررسی موضوع، تمام شاخص‌های مورد نظر در قالب فرمول ذکر شده در مرحله‌ی دوم بکار گرفته می‌شود. (بدری و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۲۱).

آنالیز تاکسونومی عددی

یکی از بهترین روش‌های درجه بندی نواحی از لحاظ درجه توسعه یافتگی، آنالیز تاکسونومی است که نوع خاصی از آن تاکسونومی عددی است. این روش برای اولین بار توسط آدانسون^۱ در سال ۱۷۶۳ میلادی پیشنهاد شد. استفاده ما از این روش از توسعه‌ای اخیر آن است که توسط دسته‌ای از ریاضی‌دانان لهستانی در اوایل دهه ۱۹۵۰ بسط داده شد. در سال ۱۹۶۸ میلادی به عنوان وسیله‌ای برای طبقه‌بندی درجه توسعه یافتگی بین ملل مختلف، توسط پروفیسور هلوینگ^۲ از مدرسه عالی اقتصادی روکلا^۳ در یونسکو مطرح شده است. روش روکلا یک روش عالی درجه‌بندی، طبقه‌بندی و مقایسه کشورها یا مناطق مختلف با توجه به درجه توسعه و مدرن بودن آنها است (بیدآبادی، ۱۳۶۲: ۵). در این روش معمولاً یکی از مناطق مورد مطالعه به عنوان منطقه ایده‌ال انتخاب می‌شود و مناطق دیگر بر مبنای آن درجه‌بندی می‌گردند. بدین ترتیب تفاوت یا فاصله هر منطقه از منطقه ایده‌ال معین می‌شود (فطرس و بهشتی فر، ۱۳۸۲: ۲۱).

روش ضریب اختلاف

برای سنجش اینکه تا چه حد یک شاخص بطور نامتعادل در بین مناطق توزیع شده است، از روش ضریب اختلاف (CV) که گاهی آن را عامل ویلیامسون نیز می‌گویند استفاده می‌شود. ضریب اختلاف با استفاده از فرمول ذیل محاسبه می‌گردد (کلانتری، ۱۳۹۲: ۱۴۰ و ۱۴۱).

این روش برای بررسی روند نابرابری‌های موجود در شاخص‌های توسعه در سطح وسیع مورد استفاده قرار گرفته است، که مقدار بالای (CV) نشان دهنده‌ی نابرابری بیشتر در توزیع شاخص‌ها است. (یاسوری، ۱۳۸۸: ۲۰۶)

$$CV = \sqrt{\frac{\sum_{i=1}^N (x_i - \bar{x})^2}{N} \cdot \frac{N}{\sum_{i=1}^N x_i}}$$

\bar{x} = مقدار یک شاخص در یک طبقه

CV = مقدار ضریب تغییرات یک شاخص

N = تعداد مناطق

\bar{x} = میانگین همان شاخص

1. Adanson
2. Helwing
3. Wroclaw

یافته‌های تحقیق

با استفاده ۴ شاخص در قالب متغیرهای مورد مطالعه و با بهره‌گیری از روش‌های سنجش سطح توسعه‌یافتگی (موریس و تاکسونومی) که لزوماً جواب‌های یکسانی ندارند درجه توسعه یافتگی و رتبه‌ی هر یک از شهرستان‌های استان اردبیل تعیین گردید. نتایج حاصل از رتبه‌بندی بر اساس روش موریس و به تفکیک در هر یک از شاخص‌های مورد مطالعه نشان می‌دهد که از نظر شاخص‌های بهداشتی و درمانی شهرستان اردبیل در رتبه‌ی اول و شهرستان سرعین در رتبه‌ی آخر، از نظر شاخص‌های اقتصادی شهرستان اردبیل رتبه‌ی اول و پارس آباد در رتبه‌ی آخر، از نظر شاخص‌های فرهنگی و آموزشی شهرستان کوثر در رتبه‌ی اول و شهرستان سرعین در رتبه‌ی آخر، از نظر شاخص‌های زیربنایی شهرستان نمین در رتبه‌ی اول و شهرستان بيله سوار در رتبه‌ی آخر و از نظر شاخص‌های تلفیقی شهرستان اردبیل رتبه‌ی اول و شهرستان سرعین در رتبه‌ی آخر قرار دارد.

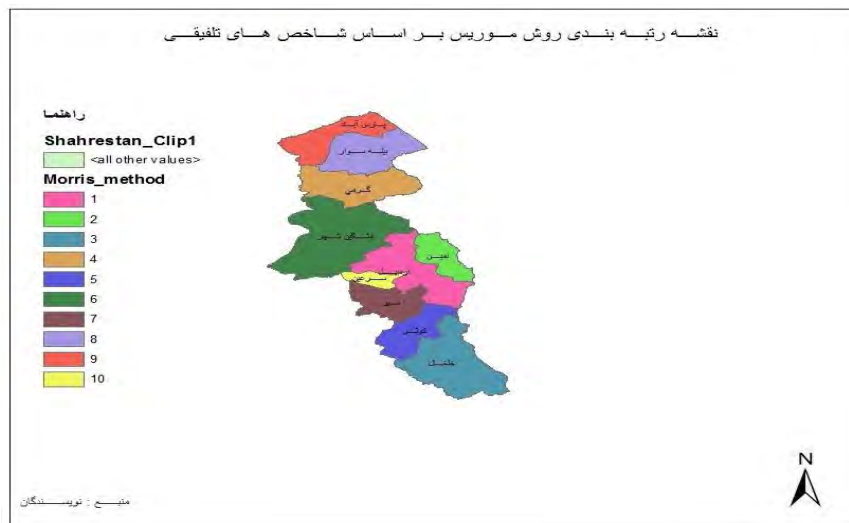
نتایج دیگر تحقیق حاکی از آن است که ضریب توسعه یافتگی در شاخص‌های بهداشتی و درمانی بین ۷۰/۲۳ تا ۱۹/۲۳، در شاخص‌های اقتصادی بین ۵۶/۸۵ تا ۲۶/۲۵، در شاخص‌های فرهنگی و آموزشی بین ۴۹/۱۵ تا ۲۶/۴۸، در شاخص‌های زیربنایی بین ۵۶/۹۱ تا ۲۳/۷۹ و در شاخص‌های تلفیقی بین ۵۶/۹۱ تا ۳۳/۲۵ در نوسان است.

بر این اساس ضریب توسعه یافتگی شاخص‌های فرهنگی و آموزشی دارای کمترین و ضریب توسعه یافتگی شاخص‌های بهداشتی و درمانی دارای بیشترین نوسان بوده‌اند. بررسی ضریب اختلاف (C.V) شاخص‌های مورد مطالعه نشان می‌دهد که شاخص‌های فرهنگی و آموزشی با ضریب اختلاف ۱۴۰٪ دارای کمترین میزان عدم تعادل در توزیع امکانات و شاخص‌های بهداشتی و درمانی با ضریب اختلاف ۳۵۱٪ دارای بالاترین میزان عدم تعادل در توزیع امکانات و خدمات می‌باشند (جدول ۲) و (شکل ۲).

جدول (۲): رتبه و ضریب توسعه یافتگی شهرستان‌های استان اردبیل از نظر شاخص‌های مورد مطالعه در روش موریس

شاخص شهرستان	بهداشتی و درمانی		اقتصادی		فرهنگی و آموزشی		زیربنایی		شاخص‌های تلفیقی	
	رتبه	ضریب توسعه یافتگی	رتبه	ضریب توسعه یافتگی	رتبه	ضریب توسعه یافتگی	رتبه	ضریب توسعه یافتگی	رتبه	ضریب توسعه یافتگی
اردبیل	۱	۷۰/۲۳	۱	۵۶/۸۵	۵	۴۴/۹۳	۲	۵۶/۸۵	۱	۵۶/۹۱
بيله سوار	۴	۴۳/۱۶	۸	۳۴/۷۹	۲	۴۸/۳۸	۱۰	۲۳/۷۹	۸	۳۸/۳۶
پارس آباد	۵	۴۲/۰۷	۱۰	۲۶/۲۵	۸	۳۸/۶۶	۷	۳۵/۹۸	۹	۳۵/۶۲
خلخال	۲	۵۹/۹۴	۶	۴۳/۴۲	۴	۴۶/۵	۶	۳۶/۵۵	۳	۴۷/۰۶
سرعین	۱۰	۱۹/۲۳	۹	۳۴/۰۷	۱۰	۲۸/۴۸	۳	۵۶/۰۷	۱۰	۲۳/۲۵
کوثر	۸	۳۰/۶	۴	۴۷/۸۱	۱	۴۹/۱۵	۴	۳۹/۵۱	۵	۴۲/۱۱
مشکین	۷	۴۰/۲	۷	۴۰/۷۹	۶	۴۴/۳۳	۸	۳۴/۳۵	۶	۴۰/۲۹
گرمی	۶	۴۱/۶۷	۵	۴۷/۶۲	۳	۴۷/۶۸	۹	۳۳/۷	۴	۴۳/۲۹
نمین	۳	۵۰/۱۴	۲	۵۵/۵۶	۹	۳۷/۰۱	۱	۵۹/۱۱	۲	۴۹/۸۷
نیر	۹	۲۲/۸۵	۳	۵۳/۱۲	۷	۴۳/۴۶	۵	۳۸/۵۹	۷	۳۹/۸۵
Cv		۰/۳۵۱		۰/۲۱۷		۰/۱۴۰		۰/۲۶۸		۰/۱۵۶

منبع: یافته‌های پژوهش



شکل (۲): نقشه رتبه بندی مورس براساس شاخص ترکیبی توسعه یافتگی شهرستان‌های استان اردبیل

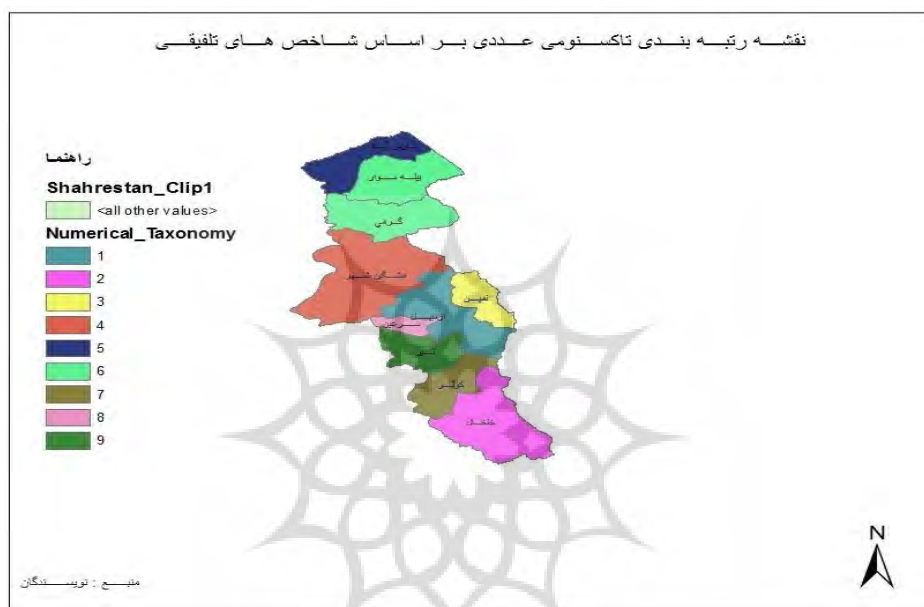
نتایج حاصل از رتبه‌بندی بر اساس روش تاکسونومی و به تفکیک در هر یک از شاخص‌های مورد مطالعه نشان می‌دهد که از نظر شاخص‌های بهداشتی و درمانی شهرستان اردبیل در رتبه اول و شهرستان سرعین در رتبه آخر قرار گرفت. در شاخص‌های اقتصادی شهرستان اردبیل به‌عنوان عنصر ناهمگن از محاسبات کنار گذاشته شد و شهرستان خلخال رتبه اول و شهرستان نیر در رتبه آخر، هم‌چنین در شاخص‌های فرهنگی و آموزشی اردبیل باز به دلیل ناهمگن بودن از محاسبات کنار گذاشته شد و شهرستان پارس آباد در رتبه اول و شهرستان سرعین در رتبه آخر، از نظر شاخص‌های زیربنایی شهرستان سرعین در رتبه اول و شهرستان بيله سوار در رتبه آخر و از نظر شاخص‌های تلفیقی شهرستان اردبیل رتبه اول و شهرستان نیر در رتبه آخر قرار دارد. نتایج دیگر تحقیق حاکی از آن است که ضریب توسعه یافتگی در شاخص‌های بهداشتی و درمانی بین ۰/۴۴ تا ۰/۹۵، در شاخص‌های اقتصادی بین ۰/۶۱ تا ۰/۹۶، در شاخص‌های فرهنگی و آموزشی بین ۰/۶۰ تا ۰/۹۸، در شاخص‌های زیربنایی بین ۰/۶۳ تا ۰/۹۵ و در شاخص‌های تلفیقی بین ۰/۵۴ تا ۰/۸۹. در نوسان است. بر این اساس ضریب توسعه یافتگی شاخص‌های زیربنایی و شاخص‌های تلفیقی دارای کمترین و ضریب توسعه یافتگی شاخص‌های بهداشتی و درمانی دارای بیشترین نوسان بوده‌اند. بررسی ضریب اختلاف (C.V) شاخص‌های مورد مطالعه نشان می‌دهد که شاخص‌های زیربنایی با ضریب اختلاف ۰/۱۰۵، دارای کمترین میزان عدم تعادل در توزیع امکانات و شاخص‌های بهداشتی و درمانی با ضریب اختلاف ۰/۴۰۰، دارای بالاترین میزان عدم تعادل در توزیع امکانات و خدمات می‌باشند (جدول شماره ۳) و (شکل شماره ۳).

جدول (۳): رتبه و ضریب توسعه یافتگی شهرستان‌های استان اردبیل از نظر شاخص‌های مورد مطالعه در روش تاکسونومی

شاخص‌های تلفیقی		زیربنایی		فرهنگی و آموزشی		اقتصادی		بهداشتی و درمانی		شاخص شهرستان
ضریب توسعه یافتگی	رتبه	ضریب توسعه یافتگی	رتبه	ضریب توسعه یافتگی	رتبه	ضریب توسعه یافتگی	رتبه	ضریب توسعه یافتگی	رتبه	
۰/۵۴	۱	۰/۶۴	۲	ناهمگن	-	ناهمگن	-	۰/۴۴	۱	اردبیل
۰/۷۴	۶	۰/۹۵	۷	۰/۶۷	۴	۰/۷۸	۴	۰/۶۰۶	۴	بيله سوار
۰/۷۲	۵	۰/۸۳۲	۵	۰/۶۰	۱	۰/۷۸	۴	۰/۶۶	۵	پارس آباد
۰/۶۱	۲	۰/۷۸	۴	۰/۶۲	۲	۰/۶۱	۱	۰/۴۷	۲	خلخال

۰/۸۴	۸	۰/۶۳	۱	۰/۹۸	۹	۰/۸۲	۶	۰/۹۵	۱۰	سرعین
۰/۸۳	۷	۰/۸۸۲	۶	۰/۸۰	۶	۰/۸	۵	۰/۸۴	۸	کوثر
۰/۷۱	۴	۰/۸۳۲	۵	۰/۸۴	۷	۰/۶۲	۲	۰/۶۴	۷	مشکین
۰/۷۴	۶	۰/۸۳۲	۵	۰/۶۶	۳	۰/۸۵	۷	۰/۶۰۳	۶	گرمی
۰/۶۷	۳	۰/۶۵	۳	۰/۷۴	۵	۰/۷۵	۳	۰/۵۶	۳	نمین
۰/۸۹	۹	۰/۸۸	۶	۰/۸۸	۸	۰/۹۶	۸	۰/۸۸	۹	نیر
۰/۱۳۶		۰/۱۰۵		۰/۲۰۸		۰/۱۲۴		۰/۴۰		Cv

منبع: یافته‌های پژوهش



شکل (۳): نقشه رتبه بندی تاکسونومی عددی بر اساس شاخص ترکیبی توسعه یافتگی شهرستان های استان اردبیل

نتیجه گیری

توسعه یکپارچه و هماهنگ یکی از موضوعات بسیار مهم در برنامه ریزی منطقه ای است که نخستین قدم در این رابطه شناسایی و سطح بندی وضعیت موجود مناطق مختلف از نظر برخورداری از مواهب و امکانات توسعه است. واگذاری امکانات و خدمات مطلوب به یک ناحیه در اثر سیاست های غیر اصولی و محروم ساختن نواحی دیگر از باعث به وجود آمدن دوگانگی و محرومیت در نواحی مختلف یک کشور شده است. نتیجه این بی عدالتی به صورت انتقال مشکلات و کمبودهای مناطق محروم به مناطق برخوردار نمایان شده است. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که در ۲ شاخص فرهنگی و آموزشی و اقتصادی در روش تاکسونومی اردبیل به عنوان عنصر ناهمگن بوده است و در بقیه شاخص ها نیز در رتبه های اول قرار گرفته (البته به جز شاخص فرهنگی و آموزشی که رتبه ۵ را کسب کرده و در شاخص زیربنایی رتبه ۲) را به دست آورده است و در گروه شهرستان هایی که وضعیت نامطلوبی داشتند شهرستان های سرعین، نیر، بیله سوار و پارس آباد قرار گرفته اند. شهرستان های واقع در نیمه جنوبی استان که در مسیر راه های ارتباطی اصلی و سایر زیربنایها قرار دارند (اردبیل، نمین و نیر) اکثراً شهرستان هایی هستند که بالاترین ضریب توسعه یافتگی را داشته اند. اما برعکس شهرستان های واقع در نیمه شمالی استان که دور از راه های اصلی ارتباطی و در محیط بسته

قرار گرفته‌اند اکثر شهرستان‌های نیمه برخوردار و یا محروم هستند. همچنین شواهد حاکی از آن است که توزیع شاخص مورد بررسی در شهرستان‌های استان اردبیل به نسبت تعداد جمعیت و سکونتگاه‌های شهری و روستایی به درستی انجام نشده است. برای مثال شهرستان پارس‌آباد (با جمعیت ۱۷۳۱۸۲) نفر از لحاظ جمعیتی دومین شهرستان استان است. در حالی که در شاخص‌های بهداشتی و درمانی براساس رتبه‌بندی در رده ۵ روش موریس و رده ۷ روش تاکسونومی قرار دارد و این مسئله بازنگری در جهت توزیع صحیح و بهینه امکانات مربوط به بخش بهداشت و درمان را بیش از پیش ضروری ساخته است.

در پاسخ به این سؤال که؛ وضعیت توسعه یافتگی در سطح شهرستان استان در چه وضعیتی قرار دارد؟ می‌توان گفت، عدم تعادل و ناهمگنی در بین شهرستان‌های استان وجود دارد به طوری که همه شهرستان‌ها در شاخص تلفیقی موریس در ۲ سطح نیمه برخوردار و محروم قرار گرفته‌اند و اردبیل رتبه اول را به خود اختصاص داده است و سرعین تنها شهرستان محروم استان بوده است در شاخص تلفیقی تاکسونومی نیز شهرستان‌ها در ۳ سطح برخوردار، نیمه برخوردار و محروم قرار گرفته‌اند در این روش نیز اردبیل در بین شهرستان‌های برخوردار رتبه اول را کسب کرده است و نیر تنها شهرستان محروم استان بوده است. لذا این تفاوت نه تنها در بین شهرستان‌های استان زیاد است بلکه اختلاف قابل ملاحظه‌ای با دیگر مناطق کشور دارد که لزوم توجه جدی و برنامه‌ریزی‌های هدفمند و منطبق بر قابلیت‌های استان را در جهت توسعه متوازن و یکپارچه را می‌طلبد. به طور کلی تمام استان از عدم توسعه مطلوب و وجود نابرابری در بخش‌های مختلف رنج می‌برد و به غیر از چند شهرستان (اردبیل، خلخال و نمین) بقیه شهرستان‌ها در وضعیت نامطلوب‌تری از نظر توسعه قرار دارند و از حالت یکنواختی برخوردار هستند که شاید گویای این مطلب است که توسعه در هیچ یک از نواحی استان صورت نگرفته و نوعی حالت رکود و درجا زدن در میان آنها حاکم بوده است و این استان بیشتر حالت ناظر رشد و توسعه را داشته و از نتایج آن بهره‌مند نبوده است از سوی دیگر شهرستان اردبیل از جهت شاخص‌های ترکیبی از دیگر شهرستان‌های استان به ویژه شهرستان‌های شمالی (گرمی، بیله سوار و پارس‌آباد) که قطب کشاورزی هستند فاصله زیادی دارد و این نواحی به دلیل دوری از راه‌های ارتباطی اصلی قرارگیری در موقعیت مرزی و حاشیه‌ای و ناکارآمدی برنامه‌ریزی‌های انجام گرفته، نتوانسته‌اند وضعیت مطلوبی متناسب با قابلیت‌های خود داشته باشند.

همچنین نتایج پژوهش حاضر، با پژوهش‌های (قنبری هفت‌چشمه و حسین‌زاده دلیر، ۱۳۸۴)، (یاسوری، ۱۳۸۸)، (تقوایی و بهاری، ۱۳۸۹) در زمینه اختلاف سطح توسعه در بین شهرستان‌ها، و پژوهش (محمودی و زیاری، ۱۳۹۳) در موضوع عدم تأثیر نزدیکی به مرزهای بین‌المللی بر میزان توسعه یافتگی شهرستان‌ها و شهرها، همسو و دارای نتایج مشابه است.

پیشنهادهای

- تقویت و ارتقای زیرساخت‌های ارتباطی درون و برون استانی با توجه به انزوای جغرافیایی قسمت‌هایی از استان به‌عنوان یکی از اولویت‌های توسعه استان.
- ایجاد و احداث شهرک صنعتی مرزی با جمهوری آذربایجان در محدوده شمال استان اردبیل (به ویژه شهرستان پارس‌آباد).
- با توجه به هم‌مرز بودن قسمت‌های شمالی استان با جمهوری آذربایجان گسترش مبادلات تجاری و بازرگانی به منظور ارتقاء سطح شاخص‌های اقتصادی بسیار ضروری است.
- توسعه ظرفیت‌های گردشگری استان با عملکرد ملی و فراملی و همچنین گسترش و تجهیز قطب‌های تفریحی و سیاحتی، در عرصه‌های گردشگری استان (سند ملی توسعه استان).
- توسعه اشتغال در استان از طریق حل مشکلات واحدهای تولیدی و حمایت از بخش خصوصی و تشویق و ایجاد زمینه‌های لازم برای جذب سرمایه‌گذاران صدور مجوزهای سرمایه‌گذاری در سطح استان.
- حمایت از شرکت‌های تعاونی تولید صنایع دستی و زمینه‌سازی برای افزایش فرصت‌های شغلی زنان روستایی استان.

- آبادانی و عمران و ارائه خدمات عمومی شایسته به مردم و تکمیل زیرساخت‌های حمل و نقل در سطح استان.
 - توجه به اینکه اقتصاد اکثر شهرستان‌های استان متکی بر کشاورزی است توجه به توسعه و گسترش صنایع، کشاورزی و دامپروری و تأکید بر افزایش سهم تولیدات دانش محور یکی از راهبردهای اساسی جهت توسعه استان می‌باشد.
 - شهرستان‌هایی که امتیاز بیشتری کسب نموده‌اند (اردبیل، خلخال و نمین)، از لحاظ سرمایه‌گذاری در اولویت‌های آخر قرار گیرند و شهرستان‌هایی که در سطوح محروم و بسیار محروم (شهرستان‌های سرعین، بیله‌سوار، نیرو کوثر) قرار گرفته‌اند، باید در اولویت برنامه‌ریزی و محرومیت زدایی قرار گیرند و به این مسئله توجه شود توسعه به معنای واقعی در گرو پرداختن به مسئله بخشایش امکانات و جمعیت است.

منابع

- بختیار، صادق، دهقانی زاده، مجید، حسین پور، سیدمجتبی (۱۳۸۵)، بررسی جایگاه استان‌های کشور از منظر شاخص توسعه انسانی، مجله دانش و توسعه، شماره ۱۹، صص ۱۱-۳۹
- بدری، علی، اکبریان رونیزی سعیدرضا، جواهری، حسن (۱۳۸۹)، تعیین سطوح توسعه‌یافتگی نواحی روستایی شهرستان کامیاران، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۸۲.
- بیدآبادی، بیژن (۱۳۶۲)، آنالیز تاکسونومی عددی و کاربرد آن در طبقه‌بندی شهرستان‌ها و ایجاد شاخص‌های توسعه جهت برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سازمان برنامه و بودجه استان مرکزی.
- پاپلی یزدی محمدحسین، رجبی سناجردی، حسین، نظریه‌های شهر و پیرامون، انتشارات سمت، ۱۳۹۰
- تقوایی، مسعود، بهاری، عیسی (۱۳۹۱) سطح بندی و سنجش درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان مازندران با استفاده از مدل تحلیل عاملی و تحلیل خوشه‌ای، جغرافیا و برنامه ریزی محیطی، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۱.
- توکلی نیا، جمیله و شالی محمد (۱۳۹۰)، نابرابری‌های ناحیه‌ای در ایران، فصل نامه آمایش محیط.
- رضوانی، محمدرضا (۱۳۸۳)، تحلیل تفاوت‌های مکانی در توسعه نواحی روستایی استان زنجان.
- تودارو، مایکل (۱۳۷۰)، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، تهران: سازمان برنامه و بودجه.
- خاکپور، براتعلی، باوان پوری، علیرضا (۱۳۸۸)، بررسی و تحلیل نابرابری در سطح توسعه یافتگی مناطق شهر مشهد، مجله دانش و توسعه.
- دهقانی، علی (۱۳۷۳)، تعیین درجه توسعه یافتگی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد اقتصاد، دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- رضوانی، محمدرضا (۱۳۸۳)، تحلیل تفاوت‌های مکانی در توسعه نواحی روستایی استان زنجان.
- زالی، نادر (۱۳۷۹)، سطح بندی توسعه، نمونه موردی استان آذربایجان شرقی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده هنر و معماری، گروه شهرسازی، دانشگاه شیراز.
- صادقی‌فر، جمیل، سیدین، سیدحسام، انجم شعاع، مینا، رجبی و اسوکلائی، قاسم، موسوی، سیدمیثم، آرمون، بهرام (۱۳۹۳) تعیین درجه توسعه یافتگی شهرستان‌های استان بوشهر از نظر شاخص‌های بهداشتی درمانی با استفاده از روش تاکسونومی عددی، مجله علوم پزشکی رازی، دوره ۲۱، شماره ۱۱۸.
- شاهنوشی ناصر، گلریز ضیایی زهرا، باقری حمیدرضا (۱۳۸۵)، رتبه بندی نواحی شهر مشهد بر اساس شاخص‌های توسعه شهری، مجموعه مقالات کنفرانس برنامه ریزی و مدیریت شهری.
- شیخ الاسلامی، علیرضا، یراوندزاده، مریم (۱۳۸۸)، مطالعه تطبیقی و سنجش درجه توسعه یافتگی استان لرستان، فصل نامه چشم انداز جغرافیایی زاگرس، سال اول، شماره ۱.

فطرس، محمد حسن، بهشتی فر (۱۳۸۸)، محمود، مقایسه درجه توسعه یافتگی بخش کشاورزی استان‌های کشور در دو مقطع ۱۳۷۲ و ۱۳۸۲، اقتصاد کشاورزی و توسعه.

قدیر معصوم، مجتبی، حبیبی، کیومرث (۱۳۸۳)، عنوان سنجش و تحلیل سطوح توسعه یافتگی شهرها و شهرستان‌های استان گلستان؛ نامه علوم اجتماعی؛

قنبری هفت چشمه، ابوالفضل، حسین زاده دلیر، کریم (۱۳۸۴)، تعیین درجه توسعه یافتگی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی (۱۳۷۵)، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای.

گلدین، یان و ال، آلن و بنترز (۱۳۷۹)، اقتصاد توسعه پایدار، ترجمه عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری و غلام رضا آزاد ارمکی، شرکت چاپ و نشر بازرگانی؛ تهران.

گولت، دنیس (۱۳۷۴)، توسعه: آفریننده و مخرب ارزش‌ها. ترجمه غلامعلی فرجادی برنامه و توسعه

کلاتری، خلیل (۱۳۹۲)، برنامه ریزی و توسعه منطقه‌ای (تئوریا و تکنیکها)، انتشارات خوشبین.

لطیفی غلامرضا، نگاهی به تعدادی از تئوری‌های مکانی در برنامه ریزی منطقه‌ای، کتاب ماه علوم اجتماعی، ۱۳۸۸
مرصوصی حکمت نیا، پور محمدی، حسین نظم فر (۱۳۸۹)، تحلیل استراتژی‌های توسعه آذربایجان شرقی، مجله جغرافیا و برنامه ریزی منطقه‌ای.

محمودی، اصغر، زیاری، یوسف علی (۱۳۹۳)، بررسی و ارزیابی توسعه یافتگی با استفاده از روش تاکسونومی عددی در شهرهای مرزی استان آذربایجان غربی، فصلنامه مدیریت، سال یازدهم، شماره ۳۴، صص ۳۵-۴۸.

موسوی، میر نجف و حسن حکمت نیا (۱۳۸۴)، تحلیل عاملی و تلفیق شاخص‌ها در تعیین عوامل مؤثر بر توسعه انسانی نواحی ایران، مجله جغرافیا و توسعه، شماره ۶، صص ۵۵-۶۹.

نسترن، مهین، گنجعلی زاده، بهناز، تحلیل درجه توسعه یافتگی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی با استفاده از روش تحلیل عاملی و تحلیل خوشه‌ای، فصلنامه ساخت شهر، ۱۳۸۸

یاسوری مجید (۱۳۸۸)، بررسی وضعیت نابرابری منطقه‌ای در استان خراسان رضوی، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای دوره ۷، شماره ۱۲، صص ۲۰۱-۲۲۳.

Bhatia, V.K. & S.C. Rai (2004), Evaluation of socio-economic development in small areas, New Dehli.

Dai, Qian, Yang, Jiaqi (2013), Input-output analysis on the contribution of logistics park construction to Regional Economic development, social and Behavioral sciences. Dreze, J. & A. Sen (1995), India: economic development and social opportunity, Oxford University Press.

Dadashpoor H, Alizadeh B, Madani B. (2011), Examining and analyzing the development trends and spatial inequalities in the counties of the West Azerbaijan. Scie; 1(53):173-207.

Escobar, A. 1995. Encountering Development: the Making and Unmaking of the Third World, Princeton a new Jersey: Princeton University Press.

Hadder, R. (2000). Development Geography. London & New York: Routledge.

Klantari khalil identification of backward region in iran geographical research quarterly mashhad in iran 1998 No48

Mansouri, Sales, Mohammad, 1996, Evaluation of Developing of Tehran's Cities, M.A. Testimony of EcoNmy, Shahid Beheshty University, Tehran

Mohammadi J, Abdoli A, Fathi Biranvand M. The review of development level in counties of Lorestan province with emphasis on sanitarian and educational sectors. J Geo App Res. 2012; (25):127-50

PBOUNDP (1999), Human development report of the Islamic Republic of Iran, Plan and Budget Organization of the Government of Iran and the United Nation, Tehran.

United Nations. (2006). social justice in an open world. The Role of the united nations.